

تحلیل و ارائه الگوی بهینه فضای سبز در سطوح شهری با استفاده از

مدل های تصمیم گیری (MCDM) مطالعه موردی: شهر سراب

عطا غفاری گیلانده^۱، حسین نظم فر^۲، علی عزیزی^۳، یعقوب حیدری قرکانلو^۴*

۱- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه محقق اردبیلی، a_ghafarigilandeh@uma.ac.ir

۲- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه محقق اردبیلی، nazmfar@uma.ac.ir

۳- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه محقق اردبیلی، aliazizi90@gmail.com

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه محقق اردبیلی، heydariyaghub@gmail.com

چکیده

افزایش جمعیت و به تناسب آن رشد و توسعه شهرنشینی باعث دوری انسان از طبیعت شده و این افزایش جمعیت و دخالت در محیط طبیعی نیازهای طبیعی و زیست محیطی انسان را بیشتر بروز داده است که نمود عینی آن فضای سبز و پارکها هستند. هدف این پژوهش تحلیل وضعیت و ارائه الگوی بهینه فضای سبز در سطوح شهر سراب با استفاده از تکنیکهای تصمیم گیری چند معیاره (MCDM) است. روش پژوهش از توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی است و برای این کار ۱۱ معیار انتخاب و با استفاده از تکنیک AHP وزن دهی شدند و با استفاده از نرم افزار IRDISI SELVA، GIS و اکسل دادهها را آماده و تجزیه و تحلیل کرده و در ادامه به ارائه نقشه الگوی بهینه فضای سبز شهر سراب با استفاده از روش ترکیب خطی وزنی (WLC) اقدام کردیم، نتایج نشان از کمبود و پراکنش نامناسب پارکها در سطح شهر سراب دارد.

واژههای کلیدی: سراب، فضای سبز شهری، WLC، تصمیم گیری چند معیاره

۱- مقدمه

افزایش جمعیت و توسعه و گسترش شهرنشینی انسان را به تدریج از طبیعت دور کرده است و تراکم بیش از حد جمعیت و دخالت در محیط طبیعی و ایجاد محیطهای انسان ساخت نیازهای زیست محیطی، جسمی و روحی انسان را بیشتر بروز داده است، انسان برای رفع این مشکل به پارکها و فضاهای سبز شهری پناه آورده است [۱] و مناطق سبز شهری در شهرهای پرتراکم امروز، بیش از پیش ارزش یافته اند. نگرانی از کمبود چنین فضاهایی در شهرها به دلیل استفاده از زمینهای خالی برای توسعهی خانه سازی نیز وجود دارد [۲]. در واقع تراکم بالای انسانها در شهرها و پی آید آن احتیاجات جامعه به فضا برای مسکن و حمل و نقل و ... شرایط نگهداری منابع طبیعی و فضای سبز را دشوار کرده است [۳] پس آن چه امروزه در قرن بیست و یکم برای شهرهای ما بحران محسوب می شود و چهره شهرها را زشت و نابسامان و شهروندان را افرادی بی روح، خسته و آزرده کرده است، گسستن پیوند انسان و طبیعت است که متأسفانه در سالهای اخیر در کار توسعهی شهری و نظام شهرنشینی کشور به این مسئله کمتر توجه شده است [۴] و این توسعه بی رویه و ناپایدار شهری باعث افزایش حاشیه نشینی، تخریب نواحی سبز شهری و بالارفتن تقاضا برای زمینهای شهری می شود که این خود زمینه ساز از بین رفتن فضاهای سبز درون شهری و تغییر کاربری این گونه اراضی شده است. از این گذشته، بین نابرابریهای فضایی و توزیع ناعادلانه خدمات و مشکلات زیست محیطی و کالبدی در سطح شهر همواره یک رابطه چرخشی وجود دارد که همدیگر را پشتیبانی کرده و در ادامه با رشد جمعیت و گسترش افقی و عمودی، شهر را به محیطی غیر قابل سکونت تبدیل می کنند؛ به طوری که بسیاری از مشکلات شهرهای امروز را می توان در توزیع ناعادلانه خدمات در گذشته شهرها دانست [۵].